

کلیفورنیا امریکا 2009/03/01

پاچا

## کور خود بینای مردم !!

"کور خود بینای مردم" مثل مشهوریست که در مملکت ما به اشخاص که از عیوب خود شان آگاهانه و یا به اصطلاح وقتیکه خود را در کوچه حسن چپ میزند استعمال میکند. استاد ربانی عضو جبهه ملی نا مقدس ( اتحاد نا متجانس چپ و راست) در شهر کابل بتاريخ ۲۲ فیروزی سال ۲۰۰۹ در یک کنفرانس گفت "بأساس قانون اساسی افغانستان زمانیکه دوره ای ریاست جمهوری حامد کرزی به پایان برسد باید قدرت را به یک اداره مؤقت بسپارد."

سوال اینجا است وقتیکه خود ربانی که مکاری و حيله گری در تمام وجود اش هویدا است، بعد از دوره ای سه ماهه حضرت صبغت الله مجددی رییس حکومت عبوری مجاهدین را توسط قوماندان مسعود در ماه اپریل ۱۹۹۲ بزور بر کنار و مجددی را با تمام کابینه اش یک بار دیگر بطرف شهر پیشاور مجبور به مهاجرت نمود. و از آن بعد ربانی برای مدت شش ماه قدرت ریاست جمهوری را بدست گرفت، ولی این دوره ای شش ماهه ربانی با وجود جنگ خانمانسوز که در بین قوای شورای نظار قوماندان مسعود، حزب اسلامی حکمتیار، حزب وحدت کریم خلیلی جنایتکار و خاین ملی درجه یک که حامی ایرانیزم در افغانستان است، حزب وحدت عبدالعلی مزاری که بعداً توسط قوای طالبان به جزای اعمال خود رسانده شدو عبدالرشید دوستم گلم جم بیسواد تا آمدن طالبان بیش از چهار سال به قدرت باقی ماند و در مورد واگذاری قدرت به یک اداره مؤقت به هزارها بهانه و حيله شانه خالی میکرد.

ربانی در تمام دوره ای خونبار چهارونیم ساله اش با تمام دار و دسته ادمکش و خونخوار، فروخته ایران و روسیه و سر سپرده ستم ملی و باند او باش وی که سرکرده ان قوماندان مسعود بود شهر کابل را به خون اغشته و مردم بیدفاع این شهر را بار دیگر مجبور به مهاجرت کردند که مثال عمده ان کمپ مهاجرین سرشاهی ولایت ننگرهار بود که به هزاران مهاجرین شهر کابل در ان گنجانیده شده بودند. قابل یاداور نیست که در کمپ مهاجرین سر شاهی که بطرف شرق شهر جلال اباد مؤقیعت داشت دارای هزاران بیوه، دختران و پسران جوان بودند ولی ناموس، حیثیت و ابرو همه ای آنها در امان بود.

متأسفانه عده ای دیگر مهاجرین که از میر غضبیهای قوماندان مسعود و اوباشان شورای نظار بطرف شهر مزار شریف پناه برده بودند شهر مزار شریف در کنترل عبدالرشید دوستم گلم جم بیسواد بود، ناموس و ابرو هیچکس خصوصاً طبقه ای انات توسط تفتگذاران بد قماش عبدالرشید دوستم در امان نبود. جنایتکاران گلم جمی باند عبدالرشید دوستم زنان و دختران جوان مهاجر شهر کابل را به فحشا، رقص، شرابخوری و غیره کار های نامناسب انسانی مجبور و زینت محافل شان میساختند.

وقتیکه قوای طالبان در ماه سپتمبر سال ۱۹۹۶ شهر کابل و تقریباً ۹۰ فیصد خاک افغانستان را از قوای شورای نظار، حزب وحدت کریم خلیلی و مزاری باوجودیکه همه آنها از حمایت مستقیم و غیر مستقیم صاحبمنصبان و مشاوران روسی و همچنان مشاور ایرانی بنام چنگیز پهلوان برخوردار بودند با تمام امکانات دست داشته اش تاب مقابله را با طالبان نداشته و فرار را بر قرار ترجیع داد. مسعود با تارطقی اش یعنی ربانی و تمامی کابینه ساختگی اش ابتدا به دره پنجشیر و بعداً به پایگاه نظامی در شهر کویلاب تاجکستان متواری شدند.

قبل از ظهور طالبان تمام رهبران جهادی، مردم افغانستان و خصوصاً سازمان ملل متحد به ماموریت بین سیوان صدها بار به منظور جلو گیری از خونریزی که در شهر کابل بین قوای شورای نظار، حزب وحدت مزاری و کریم خلیلی و حکمتیار صورت میگرفت از ربانی و قوماندان مسعود خواستند که قدرت را به منظور صلح و آرامش به یک شورای مؤقت واگذار شود ولی ربانی و مسعود با تمام کله شقی که داشت از چنین پیشنهادات ابا ورزیدند. ربانی و خصوصاً قوماندان مسعود که وظیفه ای وزارت دفاع را بعهده داشت و تنها به بعضی حصص شهر کابل یعنی شهر نو، وزیر اکبر خان مینه، خیر خانه مینه و تپه ای تیلویزون حاکمیت میراند، در مقابل قوای طالبان تاب نیاورده و از کابل فرار کردند. قبل از انکه طالبان به کابل برسند قوماندان مسعود و ربانی تمام خزانه دولت که در ارگ موجود بود با خود به دره پنجشیر به یغما بردند و قیمت این جنگ را تنها و تنها مردم بی دفاع شهر کابل پرداختند.

قرار معلومات ملل متحد و اژانسهای خبری جهان قربانیان این جنگ قدرت و جا طلبی بیش از شصت هزار بوده که همه شان مردم بی دفاع بشمول اطفال، زنان و پیر سالان بودند. در تاریخ آینده مملکت باید نام ربانی، مسعود و تام دار و دسته اش به خطوط سیاه و مملو از خیانت و جنایت که در مقابل مردم بی دفاع شهر کابل بعمل آورده ثبت خواهد شد و در باره قضاوت را تاریخ و نسل آینده افغانستان خواهند نمود. با وجود این همه خونریزیها و انتقادات، ربانی هیچوقت از مردم افغانستان بنسبت واقعات دلخراش شهر کابل حتی معذرت ربانی نخواست بلکه خود را بالای چوکی ارگ توسط سریش تا آخرین لحظه محکم نموده بود.

وقتی که در بعضی ممالک جهان چنین واقعات صورت میگیرد زمامدارو یا اشخاص مسؤل ان واقعه به ناکامی خود اعتراف و از مردم خود درباه عذرخواهی میکند و در صورت امکان استعفی میدهد. اگر به واقعه ترورستی شهر ممبی (ممبی) که بتاريخ ۲۶ نومبر ۲۰۰۸ بوقوع پیوست و بیش ۱۷۴ نفر قربانی بجا گذاشت، وزیر داخله هندوستان شیوراج پتیل، مشاور امنیت و بعضی مامورین دیگر بنسبت اینکه در جلوگیری این واقعه ناکام شده بودند از مقامهای شان با خواستن معذرت استفی دادند. ولی متاسفانه ربانی این کار را نکرد.

حالا بیاییم به اتحاد نامقدس و نا متجانس در بین چپ و راست. مثل دیگر یست که میگوید "پیشک برای خدا موش نمیگیرد تا منافع اش نباشد" از امروز تا سی سال قبل راستگرایان افغانستان که عبارت از تمام گروههای مقاومت مقیم پیشاورو ایران بودند احزاب خلق و پرچم و تمام چپی های افغانستان را نامسلمان و ملحدین مینامیدند و جهاد را یگانه وسیله در مقابل انها جایز میدانستند. سوال اینجا است که اکنون چه باعث شد که این دو جناح که یک وخت تشنه خون و دشمن همدیگر بودند بهم یکجا شدند. باید گفته شود که درین اتحاد نا مقدس صرف گروه نابکار و خاین به ملت بسرکردگی ربانی حزب جمعیت اسلامی است و از طرف دیگر احزاب کمیونسیت خلق و پرچم بسرکردگی سید محمد گلابزوی خلقی و علمی پرچمی اشتراک دارند که مشترکاً حزب را بنام "جبهه ملی افغانستان" نامگذاری کرده. در دهه هفتادو هشتاد ایتلاف بین خلق و پرچم بمیان آمد که هر دویشان به اشاره اتحاد شوروی سابق بمنظور بر اندازی دولت رییس جمهور داود خان زیر چتر کمیونزم متحد شده بودند که هر دویشان ریشه ای کمیونسیتی داشتند، ولی اکنون چنین اتحاد در بین یک حزب که نامش جمعیت اسلامی افغانستان باشد که به گفته خودشان صرف برای خدا و مرام اسلامی مبارزه میکند، حالا به کمیونسیتها زیر چتر باصطلاح امپریالیزم جهان خوار بهم متحد شدند. واضح است که منافع شخصی مورد بحث است، نه منافع ملی.

تقریباً سی سال قبل چنین اتحاد ناممکن چه که مهال بود. از این معلوم میشود که برای به قدرت رسیدن از هر راهی که باشد و لو که عقاید و ایدیالوژی مخالف و یا انرا تحت شعاع بگیرد ممکن است، نه منافع علیا ی ملت و مملکت.

در اخیر به این نتیجه میرسیم که برای ربانی و بعضی اشخاص مشابه، که برای شان منافع ملت و مملکت اهمیت نداشته و یگانه چیزیکه برایشان مهم است منافع شخصی و حزبی. جمعیت اسلامی بسر کردگی ربانی، خلق و پرچم بسر کردگی گلابزوی و علمی همیشه منافع افغانستان را به کشورهای ایران، پاکستان، روسیه فعلی و اتحاد شوروی سابق در معامله گذاشته و این عمل آنها تا حال جریان دارد. از خداوند خواهانم انانیکه در مقابل این مملکت نیات روشن و وطنپرستانه نداشته باشد و منافع علیای افغانستان را با ممالک دیگر به معامله میگذارند به قهر و غضب الهی گرفتار و عذاب ابدی یعنی اخروی و دنیاوی نصیب شان شود. آمین.